



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
امارت اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد، حج و اوقاف
ریاست ارشاد و انسجام مساجد
موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات
 به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۳ / رجب المرجب / ۱۴۴۶ هـ، ق مطابق ۱۴ / جدی / ۱۴۰۳ هـ، ش

خطرات دنیوی قاچاق انسانی و زیانهای اخروی آن

الحمد لله الذي أعزنا بالإسلام، وشرفنا باتباع خير الأنام، أحمده تعالى أن هدانا للإيمان: { وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ }
 وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، ومصطفاه وخليفه، وأمينه على وحيه، و سفيره بينه
 وبين عباده. صلى الله وسلم وبارك عليه، وعلى آله وصحبه، ومن سار على هديه واتبع سنته إلى يوم الدين، أما بعد:
 قال الله سبحانه وتعالى: (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ). هود: (۱۱۳)
حضار محترم وشنوندگان گرامی!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

در جهان امروزی یک نوع تجارت کاروبار قبیح رایج است که آنرا قاچاق انسانی گفته میشود.
 قاچاق انسان دو جهت دارد که یک جهت آن قاچاقبر است؛ کسیکه کسب وکار او قاچاق کردن است که در جهان باندهای
 قاچاقبری و شبکه های غیر مشروع فعالیت میکنند و جهت دیگر آن کسانی اند که به طور قاچاق برده میشوند و شکار قاچاقبران
 قرار میگیرند.

آن مردمی در شکار قاچاقچیان قرار میگیرند که آنها از قوانین سفر بین المللی بی خبر اند، مانند: زنان، اطفال. و دیگر آن مردمی در
 چنگال قاچاقچیان قرار میگیرند که خواب های زندگی مرفه و بدست آوردن پول هنگفت را می بینند.
 قاچاقبران اکثراً در جامعه تبلیغات دروغین نموده و برای مردم ساده لوح و جوانان؛ تصویر جنت های خیالی و زندگی سهولت آمیز
 را درکشور های غربی پیشکش میکنند، تا اینکه خانواده ها؛ بخصوص جوانان از راه های غیر قانونی و قاچاق به کشور های
 اروپائی روی بیاورند.

قاچاقبران بخاطر پول مردم را به کشورهای غربی از راه های غیر قانونی به سفر وادار ساخته و اسناد تزویر جعلی برای آنها آماده
 میسازند و راه رفتن را برایشان رهنمائی میکنند و آنها را به راه هایی انتقال میدهند که پر از خطر، سختی و مشکلات می باشد،
 اما قاچاقبران در اکثر اوقات مسافری را از خطر راه ها آگاه نمیکنند، بلکه این کار را برایشان آسان و ساده ترسیم میکنند؛ وقتیکه
 مسافران در مسیر سفر در جال قاچاقبران واقع شوند پس بازگشتن برای ایشان کار دشوار است زیرا که در جال قاچاقچیان افتاده
 اند.

قاچاق انسان به طور اکثر؛ از طریق کوه ها، جنگلات و راه های مرگبار بحری صورت میگیرد، که همیشه با مشکلات، سختی و مرگ همراه بوده است.

قاچاقبران در فکر این نیستند که فقر و احتیاج مردم را دور سازند بلکه مقصد اساسی آنها بدست آوردن یک مقدار پول است که به هلاکت، زندانی و زخمی، و قربانی شدن مردم می انجامد.

در قاچاق انسان اینطور معامله صورت میگیرد که اگر به قاچاقبران پول معین در وقت آن پرداخت نشود؛ سپس قاچاقبران مسافری را بندی کرده و به انواع مختلف آنها را شکنجه میکنند. در قاچاق انسان زنها و اطفال می باشند که در جریان سفر بالای آنها تجاوز جنسی صورت میگیرد.

قاچاق انسان در اسلام حرام است و از طرف دیگر یک معضله جهانی نیز است که از طرف سازمان ملل جرم شمرده شده است که در تمام قوانین کشورها از برای عاملین قاچاق انسان سزاهای مختلفی پیش بینی شده است.

از اینکه قاچاق انسان از مرگ و مشکلات زیاد خالی نمی باشد؛ بناً امیر امارت اسلامی افغانستان عالیقدر امیر المؤمنین شیخ القرآن والحديث مولوي هبة الله آخذزاده حفظه الله ورعاه؛ در فرمان شماره ۱۳ مورخ: ۱۴۴۶/۶/۹ بخاطر مصئونیت و مصلحت رعیت قاچاق انسان را عمل نامشروع قرارداده و در این فرمان خاص به تمام ادارات ذیربط حکم شده است که هر یک بخاطر جلوگیری از قاچاق انسان به سهم خود اقدامات لازمی را روی دست گیرند و از قاچاق انسان جلوگیری کنند و قاچاقبران را به سزای اعمالشان برسانند.

قاچاق انسان کار نامشروع است و محاذیر زیاد شرعی دارد و مشتمل به انواع مختلف فساد، فریب و کارهای نامشروع میباشد که بعضی مفاسد و محاذیر آن قرار ذیل است:

رفتن به کشورهای دیگر از راه قاچاق خود را در هلاکت انداختن است:

حفاظت نفس یکی از مقاصد شرعی بوده و بالای انسان فرض است که خود را از اسباب هلاکت حفاظت نماید؛ زیرا که روح و زندگی نزد انسان امانت الهی است و برای انسان شرعاً جواز ندارد که نفس خود را قصداً به هلاکت مواجه کند بدون اجازه شرع از همین جهت الله تعالی بخاطر بقای حیات انسان خوردن گوشت حیوان مردار را جائز قرار داده است و در شریعت اسلام اینطور مثالها است که بخاطر بقای حیات انسان خوردن حرام را برایش اجازه داده است مانند: خوردن حیوان مردار و مال مردم بدون اجازه در وقت گرسنگی شدید و افطار کردن روزه در ماه رمضان در حالت سفر و غیره...

و نفس خود را مواجه کردن به اشیا و کارهای هلاک کننده جواز ندارد، زیرا که در این صورت حفاظت نفس از بین می رود.

امام شاطبی رحمه الله مینویسد: (المنهيات على الضربين فالأول كتحريم الخبائث وكشف العورات وتناول السموم واقتحام المهالك وأشباهها) الموافقات. ط المعرفة - دراز (۳/ ۱۳۳)

ترجمه:- منهیات به دو قسم است: اول حرمت اشیا خبیثه، برهنه کردن عورت، و نوشیدن زهر و رفتن در جاهای هلاکت و غیره...

زیرا که حیات انسان امانت الهی است و مسلمان باید از این امانت حفاظت کند و برای مسلمان جائز نیست که نفس و زندگی خود را به خطر مواجه کند.

متأسفانه که بعضی مردم بخاطر حرص دنیا به کشورهای کفری از طریق قاچاق سفر میکنند، که در حقیقت خود را به دهن مرگ

انداختن است، زیرا که قاجاقبران مسافری را در بعضی اوقات به کوه های بلند بالا میکنند که مسافران از کوه می لغزند و می میرند؛ بعضی اوقات به اثر تشنگی زیاد مسافری حیات خود را از دست میدهند و بعضی اوقات به اثر سردی زیاد و برف بعضی ها فلج میشوند و بعضی ها مورد حمله درندگان وحشی قرار میگیرند و بعضی مسافری توان منزل زیاد را ندارند و از کاروان عقب مانده و طعمه حیوانات میشوند.

در بعضی جاها سفر از طریق بحر صورت میگیرد و کشتی ها معیاری نمیباشد و در کشتی های کوچک پلاستیکی قاجاقبران تعداد زیادی را بار میکنند که به اثر امواج بحر سرنگون شده و مسافر بجای اینکه به اروپا برسد خوراک ماهیان میگردد. بعضی کشور ها مسافری را از سرحد خود اجازه عبور را نمی دهد که در نتیجه آن در آبهای سرد بحر روزها بند می مانند و قاجاقبران هم نمیتوانند ایشان را کمک کنند. که این کارها در واقع خود را به مرگ مواجه کردن و خود را به دست خود کشتن است، چیزی که الله تعالی آنرا منع کرده و فرموده است: ﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾. البقرة: (۱۹۵) ترجمه: - و خود را با دستهایتان در هلاکت میندازید.

وجه استدلال: کسیکه خوب میداند که من به راهی که روان هستم راه هلاکت است و من در آن می میرم باز هم آن راه را تعقیب میکند این؛ به مثابه آن است که خود را به دست خود به قتل برساند.

این آیت به وجوه مختلف تفسیر شده است. علامه ابن عاشور در تفسیر این آیت میگوید: (ومعنى النهي عن الإلقاء باليد إلى التهلكة: النهي عن التسبب في إتلاف النفس). التحرير والتنوير (۲/۲۱۴)

ترجمه: - مراد از نهی از انداختن خود در هلاکت به دست خود؛ نهی از اسبابی است که نفس را تلف میکند. و زید بن اسلم میگوید: (والتَّهْلُكَةُ: أَنْ يَهْلِكَ رَجُلٌ مِنَ الْجُوعِ أَوْ الْعَطَشِ أَوْ مِنَ الْمَشْيِ) تفسیر ابن ابی حاتم (۲/۵) ترجمه: - مراد از [التَّهْلُكَةُ] این است که مردم هلاک شود به اثر گرسنگی، تشنگی و یا منزل کردن و هر کس اینرا میداند که رفتن به غرب از طریق قاجاق پر از خطر بوده و من با آن خطرات مواجه میشوم. و در یک آیت دیگری در باره حفاظت نفس الله تعالی میفرماید که خود را به قتل نرسانید. ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾. النساء: (۲۹) و خود را نکشید.

وجه استدلال: از قواعد علوم قرآنی این است که اعتبار از برای عموم لفظ است؛ بنا گفته میتوانیم که معنی آیت این است که بخاطر دنیا نفسهایتان را نکشید. و کسیکه بخاطر کسب سرمایه از طریق قاجاق به غرب خود را میرساند و راه های مرگبار را اختیار میکند این در واقع خویشتن را کشتن است.

امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیت میگوید: (أجمع أهل التأويل على أن المراد بهذه الآية: النهي أن يقتل بعض الناس بعضاً. ثم لفظها يتناول أن يقتل الرجل نفسه بقصد منه للقتل في الحرص على الدنيا وطلب المال؛ بأن يحمل نفسه على الغرر المؤذي إلى التلف). (۱۵۷-۱۵۶/۵)

ترجمه: - مفسرین بر این اجماع کرده اند که مراد از نهی در آیت مذکور نهی از اینکه بکشد بعضی مردم بعضی دیگر را. و لفظ آیت شامل این است که شخصی قصداً خود را به خاطر حرص طلب مال بکشد، یعنی خود را به خطراتی مواجه کند که نتیجه آن مرگ باشد.

از تفسیر امام قرطبی رحمه الله در آیه فوق بعینه تلف کردن نفس را در راه های قاچاق؛ شامل میشود و به آن مطابقت دارد. خود را در امواج بحری مواجه کردن به معنی خودکشی است، از همین جهت در احادیث آمده وقتیکه بحر طوفانی شود شما به بحر پائین نشوید.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِ مُؤْمِنٍ وَلَوْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ، لَقِيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» سنن ابن ماجه (۸۷۴ / ۲)

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه در قتل مؤمن به اندازه نصف کلمه کمک کند (مثلاً به جای تلفظ کردن به کلمه قتل؛ قت بگوید) با الله جل جلاله درحالی ملاقات میکند که در بین دو چشم او نوشته شده که این شخص از رحمت الله نا امید است، این سخن واضح است که قاچاقبران انسان مردم قاچاق شده را به کام مرگ می اندازد.

از بحر هاییکه قاچاقبران مسافری را عبور میدهند این سخن یقینی است که در این سفر طولانی حتماً مسافر به امواج بحر مواجه میشود و بعضی کشتی ها سرنگون میشوند و ماشاهد آن هستیم که به اثر امواج بحر صدها مسافر در بحر غرق شده اند. در حدیث شریف آمده است: عن سمرة بن جندب- رضي الله عنه- قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: «ومن ركب البحر في

ارتجاجه فقد برئت منه الذمة». اتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة (۶ / ۴۰)، مسند أحمد بن حنبل-ن (۵ / ۲۷۱)

ترجمه:- از سمرة بن جندب رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه در بحر (کشتی) سوار شد در حالت امواج بحر یقیناً دور شد از او ذمه (الله) یعنی حفاظت الله تعالی شامل اونمی باشد.

در حالت اضطراری بحر سوار شدن به کشتی در بحر به اتفاق علماء حرام است؛ امام ابن عبدالبر رحمه الله مینویسد: (وَلَا خِلَافَ بَيْنِ أَهْلِ الْعِلْمِ أَنَّ الْبَحْرَ إِذَا ارْتَجَّ لَمْ يَجْزُ رُكُوبُهُ لِأَحَدٍ بَوَاحٍ مِنَ الْوُجُوهِ). التمهيد (۱ / ۲۳۴)

ترجمه:- علما در این اختلاف ندارند وقتیکه بحر اضطراری شود سوار شدن به کشتی جائز نیست در بحر از برای هیچ کس به هیچ وجه.

رفتن به دیگر کشور ها از راه قاچاق مخالفت و سرکشی از حکم ولی الامر است که این کار حرام است:

وقتیکه ولی الامر (امیر شرعی یا حاکم) از یک کار منع کند، پس آن کار را انجام دادن مخالفت و سرکشی از حکم ولی الامر است و جواز ندارد. الله تعالی مارا به اطاعت حکم ولی الامر امر کرده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾. النساء: (۵۹)

ترجمه:- ای کسانیکه ایمان آورده اید از الله و پیامبر و از صاحبان امر تان اطاعت کنید.

وجه استدلال: مراد از [أولي الأمر] پادشاه وقت، سلطان و أمراء مراد است.

امام القلقشندي رحمه الله میگوید: (هم ولاية الأمور على ما ذهب إليه كثير من المفسرين والامام هو أعظم ولاية الأمور لعموم ولايته فهو أحق بالطاعة وأجدر بالانقياد لأوامره ونواهيها) مآثر الإنافة في معالم الخلافة (ص: ۳۱)

ترجمه:- [أولي الأمر] آن کسانی اند که سرپرستی کارها را میکنند بنا به قولی که اکثر مفسرین بر آن اند و امام نسبت به تمام

حکام بزرگ است؛ زیرا که ولایت او عام است و او بیشتر سزاوار اطاعت است و اوامر و نواهی او بیشتر مستحق اطاعت است. امام ابو الیث سمرقندی رحمه الله در تفسیر [أولی الأمر] میگوید: (و یقال الخلفاء والأمرء یجب طاعتهم ما لم یأمروا بالمعصية). بحر العلوم (۱/ ۳۳۸)

ترجمه:- گفته شده است که مراد از اولی الأمر خلفاء و امرء است. و اطاعت ایشان واجب است تا وقتی که به معصیت امر نکرده اند. در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ «... وَمَنْ يُطِعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ يَعُصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي». صحیح مسلم (۶/ ۱۳)

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که اطاعت از امیر خود بکند به تحقیق او از من اطاعت کرد و کسی نافرمانی امیر را بکند به تحقیق او نافرمانی من را کرد.

ولی الأمر میتواند بخاطر مصلحت مردم و رعیت فرمانها صادر کند، امر و نهی کند و از بعضی کارها مردم را بنا به مصلحت منع کند و بخاطر مصلحت و بهبود نظام به بعضی کارها امر کند، اطاعت او بر رعیت فرض است که فرامین اوامر و نواهی او را بپذیرند و اطاعت کنند تا وقتی که به معصیت امر نکنند. پس کسی که از کشور خود به کشورهای دیگر سفر میکند به او لازم است که به آن قوانینی عمل کند که پادشاه و امیر وقت آنها تدوین و صادر کرده است و اگر خلاف قانون سفر کرد این در حقیقت از امر امیر خود مخالفت کرد.

سفر کردن از راه قاچاق به کشورهای دیگر خود را دلیل کردن است:

از راه های قاچاق به کشورهای غربی و یا دیگر کشورها سفر کردن خود را به ذلت انداختن است در حالیکه الله تعالی به ما عزت و کرامت داده است. طوریکه الله تعالی میفرماید: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ). الاسراء: (۷۰) ترجمه:- و البته اولاد آدم را گرامی داشته و اکرام نمودیم.

توضیح: در تمام قوانین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی داخل شدن در آن کشورها از طریق قاچاق جرم شمرده میشود. از همین جهت آنها در سرحدات خود قوای امنیتی و پولیس را گماشته اند تا اینکه افراد غیر قانونی داخل کشور نشوند.

در اکثر ممالک با موظفین پولیس سگها هم می باشد. پولیس سرحدی بعضی کشورهای وقتیکه افراد قاچاقی را ببیند که از طریق قاچاق داخل کشور می شوند سگها را در عقب شان رها میکنند و بواسطه سگ آنها را گرفتار میکنند و بعضی اوقات به آنها فیر میکنند و آنها زخمی میشوند و وقتیکه افراد غیر قانونی را گرفتار کنند علاوه از لت و کوب آنها را بندی میکنند، می زنند، توهین میکنند و کشور او را دشنام میدهند و بعد از مدتی نامعلوم آنها را به کشورش بر میگردانند، بعضی وقت اینطور هم میشود که افرادی که از راه قاچاق رفته اند در سرحدات مدت ها منتظر فرصتی هستند که از سرحد عبور کنند، خوردنی و نوشیدنی برای آنها نمی رسد، در راه ها و کوچه ها و در زیر پل ها بی سرنوشت افتیده اند، بعضی آنها سوالگری میکنند، بعضی مواد نشه ای استعمال میکنند که این همه از برای مسلمان شرم و ذلت بزرگ است. در حالیکه اینها به مقصد عزت و بدست آوردن فایده از خانه بیرون شده اند. شریعت اسلام از واقع کردن خود را در ذلت منع کرده است. در حدیث شریف از انداختن خود را به ذلت منع آمده است، نبی علیه السلام فرموده است: عَنْ حُدَيْفَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ» قَالُوا: وَكَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ؟ قَالَ: «يَتَعَرَّضُ مِنَ الْبَلَاءِ لِمَا لَا يُطِيقُ». سنن الترمذی (۴/ ۵۲۳)

ترجمه:- از حدیفه بن الیمان رضی الله عنه روایت است، او میگوید که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: برای مؤمن

جائز نیست که خود را ذلیل کند، صحابه کرام عرض کردند که چگونه خود را ذلیل کند؟ نبی علیه السلام فرمودند: (نفس) خود را به مصیبتی مواجه کردن که توان آنرا نداشته باشد.

ملا علی القاری رحمه الله در این معنی این حدیث نوشته است: (أَيُّ: لَا يَجُوزُ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ. أَيُّ: بِاخْتِيَارِهِ). مرقاة المفاتیح (۵/ ۱۷۳۹) یعنی جائز نیست که مومن خود را ذلیل کند به اختیار خود.

رسول الله صلی الله علیه و سلم از ذلت به الله تعالی پناه خواسته است. یعنی ذلت یک نوع عذاب است و خود را به عذاب پیش کردن زیان بزرگ است.

مسافرین بخاطر رفتن به کشورهای خارج از طریق قاچاق محتاج اند که برای خود اسناد دروغین، جعلی و تزویری جور کنند که این کار در اسلام حرام است:

کسانیکه به کشورهای خارج به طور قاچاق می روند آنها نیازمند اند که برای خود در مقابل پول زیاد اسناد جعلی و تزویری آماده کنند. اینها باید اسناد جعلی کشور خود و همچنان اسناد جعلی کشورهای خارجی را جور کنند که این غش و تزویر آشکار است و در اسلام عمل ناروا و حرام است، زیرا که این دروغ است و اسلام مردم را از دروغ گفتن منع کرده است.

رفقای قاچاقبران که دلالت آنرا با قاچاقبران در گناه دروغ شریک بوده و گنهکار اند. زیرا که آنها با قاچاقبران در گناه کمک میکنند. و الله تعالی از دروغ گفتن منع کرده است: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ الحج: (۳۰)

ترجمه:-- پس از پلیدی ها که از بتها بیار می آید دوری کنید و از سخن دورغ اجتناب ورزید.

در یک آیه مبارکه دیگر آمده است: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ) غافر: (۲۸)

ترجمه:-- زیرا الله کسی را که اسراف کار و دروغگو باشد هدایت نمی کند.

تزویر یک نوع تحریف است که هر دو یک بخش از دروغ است؛ سپس از این جهت حرام است.

الله تعالی فرموده است: { فِيمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ } المائدة: (۱۳)

ترجمه:-- پس یهود را بخاطر پیمان شکنی شان لعنت کردیم و از رحمت خود دور ساختیم دلهایشان را سخت گردانیدیم، سخنان الله را از محل آن تغییر میدادند.

توضیح: یعنی کلمه را از جای اصلی اش بخاطر اغراض فاسد شان بدل میکردند.

همه کارهای قاچاقبران به فریب و نیرنگ روان است و در هر جا دروغ گفته و مردم را فریب میدهند و دولت هارا نیز فریب میدهند.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قال: « لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ ». أبو داود (۳/ ۲۸۷)

ترجمه:-- از ابوهیره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: نیست از جمله ما کسیکه فریب و نیرنگ میکند.

رفتن به کشورهای غربی به نیت اینکه آنجا زندگی را اختیار کنند حرام و ناروا است:

الله جل جلاله فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا). التحريم: (۶)

ترجمه:-- ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و خانواده تان را از آتش حفظ کنید.

وجه استدلال: در اکثر اوقات رفتن به کشورهای کفری و غربی سبب گناه میگردد الله تعالی ما را امر کرده است که شما خود را

واهل و عيال خود را از آن کارهای حفاظت کنید که سبب آتش جهنم میگردد مانند: انجام دادن گناه ها، کفر و فسق. بردن اولاد ها به کشور های غیر اسلامی سبب دخول جهنم میگردد؛ زیرا که کشورهای غیر اسلامی مرکز انواع فتنه ها اند، وقتیکه به مرکز فتنه های بروی ؛ یک امر طبیعی است که تو در آن واقع میشوی، اولاد ها، نواسه ها و کواسه ها در آن فتنه ها واقع میشوند.

جمال الدين قاسمي رحمه الله در تفسیر این آیت مینویسد: قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا أَي: سببها، وذلك بترك المعاصي، و فعل الطاعات، والقيام على تأديب الأهل). محاسن التأويل (تفسیر القاسمي) (ص: ٠)

ترجمه:- از اسباب آتش خود و اهل خود را حفاظت کنید که آن عبارت از ترک گناه و اطاعت کردن و اهل عیال خود را ادب آموختن است. کشورهای کفری که از بی دینی، الحاد، فساد اخلاقی، شراب نوشی و مملو از انواع محرمات است به اینچنین کشورهای غیر اسلامی سفر کردن دین مسلمان را در خطر می اندازد، به خصوص آن اطفالیکه در کشورهای غیر اسلامی تربیت و بزرگ میشوند؛ به طور یقین گفته میتوانیم که در کشورهای کفری برای نسل آینده زمینه کفر و فسق مساعد است، به کثرت دیده شده است که اشخاص دیندار به کشورهای غیر اسلامی رفته اند سپس در فتنه واقع شده اند، دینداری ایشان به معصیت تبدیل شده است و یا اولاد های ایشان به تربیه غیر اسلامی بزرگ شده و از دین اسلام هیچ معلوماتی ندارند. رسول الله صلی الله علیه و سلم از زندگی کردن در بین مشرکین منع کرده است. نبی علیه السلام فرموده است: (أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يُقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ؟ قَالَ: لَا تَرَاءَى نَارَاهُمَا) سنن أبي داوود

ترجمه:- پیامبر علیه السلام فرمودند: من بیزارم از هر آن مسلمانیکه در بین مشرکین سکونت میکند، صحابه کرام عرض کردند چرا یا رسول الله صلی الله علیه و سلم؟ پیغمبر علیه السلام فرمودند: تا اینکه آتش یکدیگر را نبینند.

توضیح: معنی حدیث این است که مسلمان باید از مشرک دور بود و باش کند، خانه و اقامت گاه مسلمان از مشرک آنقدر فاصله داشته باشد که اگر مسلمان آتش را بیفروزد کافر آنرا نبیند و به او آشکار نشود. [تحفة الاحوذی]

این یک حقیقت است که محیط و جای زندگی در زندگی انسان تأثیر مستقیم دارد، محیط صالح و دیندار انسان را به سوی نیکی می کشاند؛ محیط بد و رفیق بد مشاعر انسان را به سوی بدی میکشاند، بخصوص اطفالیکه به تربیه سالم ضرورت دارند.

رفتن به کشور های خارج از طریق قاچاق حیثیت و مقام کشور خود را زیانمند می سازد:

مردمیکه از طریق قاچاق به کشور های غربی میروند اینها به خاطر گرفتن تابعیت مجبور اند که غیبت کشور خود را بکنند، دروغ بگویند و کشور خود را طوری معرفی کنند مثل اینکه جهنم باشد که به این کار تصویر نادرست از کشور خود به جهان پیش میکنند. چیزیکه در رابطه به کشور خود جفای بزرگ و بد نام کردن آن است.

بعضی مردم از راه قاچاق به کشور های غربی می رسند؛ اما به مرام و مقصد خود نمی رسند:

بعضی مردم سفرهای پرمشقت را طی میکند و به کشور مقصود خود می رسد؛ اما در آنجا سالها بی سرنوشت می مانند، که دولت میزبان نه به او تابعیت میدهد و نه اجازه کار را، شب و روز را در غربت سپری میکند. این هم شده میتواند که آنرا از کشور خود رانده و به کشور شان برگردانند. و تمام زحمات و خسارات او به هدر می رود؛ بعضی ها به بیراهه رفته و معتاد به مواده نشه ای میشوند.